

نقش بازوی رسانه ای امریکای صهیونیستی در زمینه سازی و کنترل فضای جنگ نظامی در گفتگو با پژوهشگر رسانه

«هویت» و «باورهای مشترک»، سخت‌ترین سپر دفاعی ایران است

جنگ تحمیلی امریکایی – صهیونیستی و حمله این کشورهای مهاجم به کشورهایمان از مدت‌ها پیش و در فضای رسانه آغاز شد. در ادامه نیز بازوهای رسانه‌ای دشمن، یعنی شبکه‌های فارسی‌زبانی همچون ایران اینترنشنال که کارویژه آن تخریب اذهان عمومی مخاطب ایرانی است، این جنگ را به شکلی جدی تر و گسترده تر از جبهه نظامی ادامه می‌دهند. اما این رسانه‌ها چگونه در زمینه‌سازی برای حمله نظامی به کشور نقش آفرین بودند؟ دکتر سید جواد شیخ الاسلامی، پژوهشگر رسانه و فضای

مجازی در این باره معتقد است: جنگ رسانه‌ای ارزان تر و پایدارتر از جنگ نظامی است. در جنگ فیزیکی شما تجهیزات از دست می‌دهید، اما جنگ رسانه‌ای هدف، «ذهن و قلب» نسل آینده است. آنها می‌خواهند باورهای ما را تکه‌تکه کنند تا ما از درون فرسوده شویم. تداوم این جنگ به این خاطر است که دشمنان ما می‌خواهند نسل جدید را با فرهنگ خودشان بارگذاری کنند تا دیگر نیازی به جنگ فیزیکی نباشد؛ کشور خودبه‌خود تغییر ماهیت خواهد داد. برای خواندن این گفت‌وگو با ما همراه شوید.

آقای دکتر شیخ‌الاسلامی، سپهر رسانه‌ای ایران در تمام دنیا یک استثناست و ده‌ها صدها شبکه معاند فارسی‌زبان علیه نظام ایران فضاسازی می‌کنند و ناآرامی‌ها را نیز سازماندهی کرده‌اند. نقش این رسانه‌ها را در زمینه‌سازی برای حمله نظامی به کشور چه می‌دانید؟

در علوم شناختی ما می‌گوییم که «ذهن انسان قبل از اینکه واقعیت را ببیند، آن را به عنوان پیش فرض ذخیره می‌کند (بافر می‌کند)». رسانه‌های معاند دقیقاً روی همین بافر ذهنی مخاطبان کار می‌کنند. آنها تلاش می‌کنند با تکرار صحنه‌های خشونت‌آمیز یا اخبار جعلی، تصویری از یک «دولت شکست‌خورده و عقب افتاده» و «جامعه‌ای در آشوب و ضد مردم» در ذهن جهانیان بسازند.

وقتی افکار عمومی جهان را قانع می‌کنند که در ایران وضعیت انسانی بحرانی است و مردم از نظام خود بیزارند، آن زمان همه برای یک مداخله نظامی یا تحریم‌های سنگین فراهم می‌شود. آنها می‌خواهند هزینه سیاسی و اخلاقی یک حمله را برای دنیا کاهش دهند.

تصور کنید می‌خواهید به خانه همسایه‌ای حمله کنید اما نمی‌خواهید همسایه‌های دیگر شما را محکوم کنند. ماه‌ها قبل به همه می‌گویید «آن همسایه با خانواده‌اش بدرفتاری می‌کند و خانه‌شان آتش گرفته است.» وقتی روز حمله فرا برسد، مردم می‌گویند «خب، ما که رفتیم تا کمک کنیم!» رسانه‌های معاند همین روایت را درباره ایران می‌سازند.

دلیل اصلی این است که «هویت» و «باورهای مشترک» مردم، سخت‌ترین سپر دفاعی هر کشوری است. دشمن می‌داند که تا زمانی که مردم ایران به ارزش‌های ملی، مذهبی و انقلابی خود پایبند هستند و با هم همدلی دارند، هیچ تانک و موشکی نمی‌تواند این کشور را شکست دهد.

جنگ رسانه‌ای ارزان‌تر و پایدارتر از جنگ نظامی است. در جنگ فیزیکی شما تجهیزات از دست می‌دهید، اما در جنگ رسانه‌ای هدف، «ذهن و قلب» نسل آینده است. آنها می‌خواهند باورهای ما را تکه‌تکه کنند تا ما از درون فرسوده شویم. تداوم این جنگ به این خاطر است که دشمنان ما می‌خواهند نسل جدید را با فرهنگ خودشان بارگذاری کنند تا دیگر نیازی به جنگ فیزیکی نباشد؛ کشور خودبه‌خود تغییر ماهیت خواهد داد. این موضوع مثل «آفت‌زدن» یک درخت تنومند است، به جای اینکه با تیر به درخت بزیند (جنگ نظامی)، مدام ریشه‌های آن را سم‌پاشی می‌کنید (جنگ رسانه‌ای). این کار زمان‌بر است اما در نهایت باعث می‌شود درخت حتی اگر باد هم نیاید، خودش خشک شود و سقوط کند.

آقای دکتر، یکی از شرگدهای رسانه‌های معاند استفاده از تکنیک «تکرار دروغ» و «شبکه‌سازی اجتماعی» است. آنها یک خبر کذب را در صدها کانال تکرار می‌کنند تا برای مخاطب جا بیفتد. سبیل اطلاعات نادرست چگونه واکنش نسل می‌دهد؟

مغز انسان ذاتاً تنبل است و دوست دارد انرژی کمتری مصرف کند. وقتی خبر را از ده‌ها منبع مختلف می‌شنویم، مغز ما به جای تحلیل واقعی، از «تکرار» به عنوان نشانه‌ای برای «اعتبار» استفاده می‌کند. در علم اعصاب به این پدیده «اثر حقیقت تومی» می‌گویند؛ یعنی هر چه یک جمله بیشتر شنیده شود، حتی اگر دروغ باشد، مغز ما آن را واقعی‌تر و قابل‌باورتر می‌پندارد.

رسانه‌های دشمن از این ضعف شناختی سوءاستفاده می‌کنند. آنها با ایجاد یک «کوکاسمر» یا اتاق پژواک، باعث می‌شوند فکر کنیم همه مردم همان حرف را می‌زنند و ما در اقلیت هستیم. این کار باعث ایجاد احساس ناامنی و انزوا در مخاطب می‌شود. تصور کنید وارد یک میهمانی می‌شوید و ۵ نفر پشت سر هم به شما می‌گویند: «هو بیرون برانی است.» شما حتی اگر به پنجره نگاه نکرده باشید، چتر به دست می‌گیرید. مغز شما گفته است «چون ۵ نفر گفتند، پس

۱۲ گزارش یک سید جواد شیخ‌الاسلامی

کیمیای ذهن در آتش جنگ نرم؛ راهنمای جامع شناخت و مقابله با مهندسی افکار عمومی

پارادوکس مدرن: سنگر دیجیتال و بمباران اطلاعاتی

دشمن امروز، تانک و خمپاره ندارد (یا حداقل این‌ها ابزار اصلی او نیستند). ابزار اصلی او، «الگوریتم»، «دیتا» و «روایت‌سازی» است. شبکه‌های بیگانه و رسانه‌های معاند، با استفاده از پیشرفته‌ترین یافته‌های «علوم شناختی» (Cognitive Science) و «مهندسی رفتار»، دقیقاً همان تکنیکی را به کار می‌برند که گوینده رادیو بغداد در سال ۵۹ به کار می‌برد، اما با دقتی صد برابر و سرعتی میلیون‌ویی.

آن‌ها می‌خواهند با مهندسی ذهن ما، ما را در سنگر ناامیدی حبس کنند. آنها می‌خواهند باور کنیم که «ایران در انزواست»، «اقتصاد دیگر قابل درمان نیست»، «همه مردم ناراضی‌اند» و «پندهای وجود ندارد». این‌ها همان پیام‌های «خرم‌شهر سقوط کرده است» هستند، اما با بسته‌بندی مدرن و جذاب.

در این فصل و فصل‌های آتی، ما با عینک یک متخصص علوم شناختی به این میدان نگاه می‌کنیم. ما می‌خواهیم بفهمیم مغز ما چگونه فریب می‌خورد و چگونه می‌توانیم مانند آن فرمانده باهوش، صدای واقعی را از صدای مصنوعی تشخیص دهیم. آناتومی فریب: چرا مغز ما در برابر دروغ آسیب‌پذیر است؟

برای اینکه بتوانیم از خود در برابر جنگ روانی محافظت کنیم، ابتدا باید بفهمیم دشمن کجا راه‌انداز شده است. مغز انسان، ماشینی نیست، بلکه ماشینی است که برای بقا در دشت‌های آفریقا طراحی شده است، نه برای زندگی در انفجار اطلاعات قرن بیست و یکم. در علوم شناختی، مفهومی به نام «شناخت سریع و کند» (System ۱ and System ۲) وجود دارد که توسط دانیل کانمن، برنده نوبل، مطرح شده است.

سیستم ۱ (سریع): این سیستم، خودکار، احساسی و مبتنی بر غریزه است. وقتی صدای ناگهانی می‌شنوید و می‌پرید، یا وقتی سریع به چهره‌ای قضاوت می‌کنید که دوستانه است یا خصمگین، از سیستم ۱ استفاده می‌کنید. این سیستم کم‌انرژی است و ۹۵ درصد تصمیمات روزانه ما را می‌گیرد.

سیستم ۲ (کند): این سیستم، تحلیلی، منطقی و محاسبه‌گر است. وقتی یک مسئله ریاضی پیچیده حل می‌کنید، سیستم ۲ فعال می‌شود. این سیستم پرن انرژی است و مغز ما تنبلی می‌کند که کمتر از آن استفاده کند.

دشمن در جنگ روانی، دقیقاً «سیستم ۱» را هدف می‌گیرد. آنها می‌خواهند با اخبار تکان‌دهنده، عکس‌های احساسی، تیتزهای ترسناک و شعارهای کوتاه، مغز شما را در حالت سیستم ۱ نگه دارند تا فرصت تفکر منطقی (سیستم ۲) را نداشته باشید.

تکنیک‌های شناختی فریب در عصر دیجیتال (بخش اول)

در ادامه، به بررسی چند تکنیک اصلی که شبکه‌های بیگانه برای فعال کردن سیستم ۱ مغز ما استفاده می‌کنند، می‌پردازیم.

(الف) اثر حقیقت تومی (Illusory Truth Effect)

این یکی از قدرتمندترین ابزارهای جنگ روانی است. تحقیقات نشان داده است که اگر یک گزاره (حتی اگر کاملاً دروغ باشد) بارها توسط منابع مختلف تکرار شود، مغز انسان تمایل دارد آن را به عنوان یک «حقیقت» ثبت کند. مکانیسم مغز، مغز ما برای مرغه‌جویی در انرژی،

حتمأً حقیقت دارد.» رسانه‌های دشمن هم با صدها

اکانت فیک و شبکه همسو، همین «باران دروغین» را به رخ ما می‌کنند تا ما چتر بی‌اعتمادی به نظام را بالا ببریم، در حالی که هوا واقعاً آفتابی است.

تأثیر این جنگ رسانه‌ای بر نهاد خانواده و تربیت نسل آینده چیست؟ چرا دشمن روی شکاف بین نسل جوان و والدین تمرکز ویژه‌ای دارد؟

خانواده، اولین و مهم‌ترین نهاد انتقال هویت و ارزش‌هاست. اگر دشمن بتواند رابطه پدر و فرزند یا معلم و شاگرد را تخریب کند، عملاً زنجیره انتقال فرهنگ و تاریخ را قطع کرده است. دشمن می‌داند که نسل جوان در جستجوی هویت است و اگر رسانه‌های بیگانه برای آنها هویت ساختگی و برساخته‌ای تعریف می‌کنند، آنها از ریشه‌های خود جدا می‌شوند.

آن‌ها با نشان دادن سبک‌های زندگی اشرافی و غربی، حس «فقر روانی» و «عقب‌ماندگی» را در جوانان القا می‌کنند تا والدین و سنت‌هایشان را عامل محدودیت بدانند. هدف، ایجاد «نسل بی‌ریشه» است که هیچ وابستگی عاطفی و شناختی به کشور و تاریخ خود نداشته باشد. این موضوع مثل یک درخت است که اگر ریشه‌هایش از خاک جدا شود، هر چقدر هم آب و نور بگیرد، خشک می‌شود.

دشمن با ترویج فرهنگ‌های وارداتی، دارد خاک بومی را از زیر پای ریشه‌های فرزندانمان می‌کند. وقتی فرزند شما به جای الگو گرفتن از قهرمانان ملی با علمی کشور،

به یک اینفلوئنسر خارجی که در لس آنجلس زندگی می‌کند و ارزش‌های ضداخلاقی را ترویج می‌دهد، نگاه می‌کنند، یعنی ریشه‌اش در حال جدا شدن است.

در نهایت، رسانه‌های داخلی و مسئولان فرهنگی برای پیروزی در این میدان چه تغییر رویکردی باید داشته باشند، آیا صرفاً افزایش تعداد رسانه‌ها کافی است؟

خیر، صرفاً کمیت مهم نیست، بلکه «کیفیت» و «زبان» ارتباط حیاتی است. متأسفانه گاهی رسانه‌های ما با زبانی خشک، شعاری و بروکراسی صحبت می‌کنند که با زبان لذت‌طلب و احساسی نسل امروز همخوانی ندارد. ما باید یاد بگیریم با زبان هنر، طنز، تصویر و قصه‌گویی حرف بزنیم، نه با زبان نصیحت و سخنرانی. ما باید از «دفاعی» بودن خارج شویم و به «تهاجم فرهنگی» روی بیاوریم، یعنی به جای اینکه فقط دروغ‌های دشمن را تکذیب کنیم، باید آن قدر محتوای جذاب، منطقی و مستند تولید کنیم که مخاطب خودبه‌خود جذب حقیقت شود

رسانه باید مثل یک دوست همدم و دلسوز باشد، نه مثل یک مأمور پلیس که می‌خواهد نصیحت کند. فرض کنید شما یک داری بسیار مفید و گرانبها (حقیقت و ارزش‌های انقلابی) دارید، اما آن را در یک ظرف کثیف و بدشکل (محتوای ضعیف و شعاری) می‌ریزید و با زبان خشن به بیمار می‌گویید: «بخور و حرف نزن!» بیمار فراری می‌شود، اما دشمن همان داروی قلبی و بی‌اثر (ارزش‌های غربی) را در بسته‌بندی‌های بسیار رنگارنگ،



۱۲ گزارش یک زهرآپدیزی

خوش‌بو و جذاب عرضه می‌کند. ما باید هم داروی‌مان را

اصلاح کنیم (محتوای غنی) و هم بسته‌بندی‌مان را زیبا و مدرن کنیم (زبان هنرمندانه).

برای مقابله و خنثی‌سازی این جنگ رسانه‌ای چه می‌توان کرد؟

راهکار اصلی، تقویت «سواد رسانه‌ای» و «شناخت هویت» است. مردم باید یاد بگیرند که پیام‌ها را نقد و منبع آنها را بررسی کنند. ما نباید فقط مصرف‌کننده خبر باشیم، بلکه باید «تحلیل‌گر» خبر باشیم. دومین راهکار، تولید محتوای جذاب و بومی است، ما نمی‌توانیم با سکوت جنگ را ببریم؛ باید با زبان هنر، سینما و رسانه‌های نوین، واقعیت‌های کشور‌مان را نشان دهیم. باید داستان‌های موفقیت، ایثار و پیشرفت ایران را روایت کنیم تا ذهن نسل جوان در برابر سموم دشمن مصون بماند. وقتی ذهن انسان با «حقیقت‌های جذاب» پر شود، جای برای «دروغ‌های تحریک‌آمیز» باقی نمی‌ماند. فرض کنید بدن شما در معرض ویروس قرار گرفته است

دو راه دارید: یا اینکه در یک اتاق شیشه‌ای بسته بمانید (فیلترینگ و سانسور سخت) که همیشه ممکن است ویروس راه پیدا کند؛ یا اینکه سیستم ایمنی بدن خود را تقویت کنید (سواد رسانه‌ای) و بدندان را قوی نگه دارید. راه دوم این است که به بدن خود ویتامین بدهید تا حتی اگر ویروس حمله کرد، نتواند آسیبی برساند.

تولید محتوای قوی و آموزش سواد رسانه‌ای، همان ویتامین است.



میبدرمایکنمید | جوان

خوش‌بو و جذاب عرضه می‌کند. ما باید هم داروی‌مان را اصلاح کنیم (محتوای غنی) و هم بسته‌بندی‌مان را زیبا و مدرن کنیم (زبان هنرمندانه).

برای مقابله و خنثی‌سازی این جنگ رسانه‌ای چه می‌توان کرد؟

راهکار اصلی، تقویت «سواد رسانه‌ای» و «شناخت هویت» است. مردم باید یاد بگیرند که پیام‌ها را نقد و منبع آنها را بررسی کنند. ما نباید فقط مصرف‌کننده خبر باشیم، بلکه باید «تحلیل‌گر» خبر باشیم. دومین راهکار، تولید محتوای جذاب و بومی است، ما نمی‌توانیم با سکوت جنگ را ببریم؛ باید با زبان هنر، سینما و رسانه‌های نوین، واقعیت‌های کشور‌مان را نشان دهیم. باید داستان‌های موفقیت، ایثار و پیشرفت ایران را روایت کنیم تا ذهن نسل جوان در برابر سموم دشمن مصون بماند. وقتی ذهن انسان با «حقیقت‌های جذاب» پر شود، جای برای «دروغ‌های تحریک‌آمیز» باقی نمی‌ماند. فرض کنید بدن شما در معرض ویروس قرار گرفته است

دو راه دارید: یا اینکه در یک اتاق شیشه‌ای بسته بمانید (فیلترینگ و سانسور سخت) که همیشه ممکن است ویروس راه پیدا کند؛ یا اینکه سیستم ایمنی بدن خود را تقویت کنید (سواد رسانه‌ای) و بدندان را قوی نگه دارید. راه دوم این است که به بدن خود ویتامین بدهید تا حتی اگر ویروس حمله کرد، نتواند آسیبی برساند.

تولید محتوای قوی و آموزش سواد رسانه‌ای، همان ویتامین است.

بازگشت به سنگ، درس‌هایی از تاریخ برای آینده دیجیتال

کیمیای ذهن در آتش جنگ نرم؛ راهنمای جامع شناخت و مقابله با مهندسی افکار عمومی

خشمگین هستند» و دچار وحشت و یأس می‌شود، در حالی که ممکن است در واقعیت، اکثریت جامعه موفق یا بی‌تفاوت باشند. این تکنیک برای ایجاد «فشار همسالان» (Peer Pressure) جهت تغییر باورهای مردم استفاده می‌شود.

(ج) تقسیم‌بندی دوقطبی (Polarization)

این تکنیک، چسب جامعه را هدف می‌گیرد: «اعتماد اجتماعی». مکانیزم مغز: مغز ما دوست دارد در پیابنده‌های «خوب» و «بد» تقسیم‌کند (دوگانگی). این کار فرآیند تصمیم‌گیری را ساده می‌کند. مصداق در شرایط کنونی: رسانه‌های معاند سعی می‌کنند اختلافات طبیعی داخل جامعه (مثلاً اختلاف نظر درباره یک قانون، یا تفاوت‌های سلیقه‌ای فرهنگی) را به شکاف‌های عمیق و وجودی تبدیل کنند. آنها برچسب می‌زنند: «تو یا ما هستی یا با آن‌ها». آنها پرونده‌های قومیتی راه می‌اندازند تا نشان دهند مثلاً ترک‌ها یا فارس‌ها دشمن هستند، یا شیعه و سنی نمی‌توانند همزیستی کنند. هدف این است که اگر جامعه دچار تفرقه شد، دیگر توانایی مقابله با دشمن خارجی را نخواهد داشت. همان‌طور که در داستان خرمنشهر دیدیم، در دوره دفاع مقدس ۸ساله اگر رزمندگان به حرف رادیو دشمن باور می‌کردند که «فرماندهاتان به شما خیانت می‌کند»، سنگر از درون فرو می‌پاشید.

سلاح پنهان: الگوریتم‌های هیجان‌افزا

شاید بپرسید چرا این اخبار دروغ و تحریک‌کننده آنقدر سریع دست به دست می‌شوند؟ پاسخ در طراحی پلتفرم‌های اجتماعی نهفته است. شبکه‌های اجتماعی (که بسیاری از آنها توسط شرکت‌های غربی مدیریت می‌شوند)، الگوریتم‌هایی دارند که «درگیری» (Engagement) را تشویق می‌کنند.

تحقیقات نشان می‌دهد که محتوای «خشم‌آور» و «ترسناک» و سرعت انتشارش بسیار بیشتر از محتوای «خوشحال‌کننده» یا «عادی» است. دشمن می‌داند که اگر بتواند خشم شما را برانگیزد، شما دكمه «ری‌توییت» یا «فوروارد» را می‌زنید. این یعنی شما بدون اینکه بدانید، تبدیل به سرباز بی‌چیره و مواجب دشمن شده‌اید که پروپاگاندا او را پخش می‌کند. برای عبور از این میدان مین روانی، ما شاهد موجی از ویدئوهای بریده‌بریده، بدون منبع و اغلب فیک هستیم که صرفاً برای برانگیختن احساسات طراحی شده‌اند. مغز ما در سیستم ۱، سریعاً واکنش نشان می‌دهد (خشم، گریه، نفرت) و قبل از اینکه سیستم ۲ فرصت کند ویدئو را بررسی کند (یا باین ویدئو قدیمی است؟ آیا از کشور ماست؟ آیا دیت شده؟)، انگشت ما دكمه اشتراک‌گذاری را فشرده است.

نتیجه‌گیری: بازگشت به فرمانده باهوش

داستان حسین و فرماندهش در خرمنشهر، یک استعاره دقیق برای وضعیت امروز ماست. دشمن هنوز همان پیام را می‌دهد: «همه چیز تمام شده، تسلیم شوید.» اما ابزارش عوض شده است. برای عبور از این میدان مین روانی، ما باید یاد بگیریم مانند آن فرمانده عمل کنیم. ما باید یاد بگیریم وقتی موجی از اخبار منفی و یأس‌آور را دیدیم که با هیاهوی زیاد تکرار می‌شوند، مکث کنیم. باید از خود بپرسیم: ۱. آیا این خبر واقعیت دارد یا تکنیک «تکرار دروغ» است؟ ۲. آیا این اکثریتی که در فضای مجازی می‌بینم، واقعی است یا محصول «بات‌نت» و تلنمایی؟ ۳. آیا این خبر می‌خواهد مرا خشمگین کند تا عقلایتیم را از دست بدهم؟



اقتداری که هیچ موشکی آوارش نمی‌کند

اولین بار نیست دشمنان، تصور می‌کنند در کوتاه‌ترین زمان ممکن می‌توانند ایران را شکست دهند. شاید اگر ترامپ، جای زیاده‌گویی‌ها و حرف‌های ملاموم، یا سر سیردن به خیال‌بافی‌های نتانیاهو، کمی تاریخ را مطالعه می‌کرد، مدعی نمی‌شد که طی چند روز یا چند هفته می‌تواند فریاد پیروزی سر دهد. هر چند که او، هنوز هم در دنیای واهی خود به سر می‌برد! امروز، دنیا (در پی جنگی که ۱۸ روز از آن می‌گذرد) دریافت، این است که ایرانیان نه صرفاً قلب و دهان هستند و نه بی‌بدی که با آن پادها بلرزند. بلکه ایران، سرزمین پهلوانان نامدار و گمنام فراوانی است که دیگر حتی دشمنانشان نیز نمی‌توانند منکر آن شوند.

مسئله همینجاست. اینکه امثال ترامپ، ایران را صرفاً به نام مسئولان عالی‌رتبه و سرداران قدرش می‌شناسند، به همین دلیل هم هست که تصور می‌کنند با زدن وزب و قلعه و اسب، پیروز میدان می‌شوند. اما در صفحه این شطرنج، دشمن را همان سربازانی که شاید هیچ توجهی به آنها نمی‌شود از پای در می‌آورد. بی‌تردید که رأس کار، اهمیت بسیاری دارد، اما نکته مهم این است که اندیشیده شده در نبود رأس، چطور قاعده به همان شکل ادامه پیدا کند.

اینجا، هیچ خبر ناگواری، معنای یأس و ناامیدی نمی‌دهد. به همین دلیل است که با وجود تجاوز و خشیتانه دشمن متخاصم هم، اکثریت امیدوار به پیروزی هستند و مرثیه شکست سر نمی‌دهند. در همین چند روز، دنیا به چشم دید که چرا این «خلیج»، همیشه فارس است. زمانی که مردم بندر گناوه، با شنیدن ندای تعرض به خار ک، شجاعانه راهی این جزیره شدند، آن هم با دست خالی، نه با موشک نه با لانچر و نه با هیچ سلاح دفاعی. رفتند تا بگویند دفاع از خاک پاک ایران برایشان از جان خوش‌تر، شیرین‌تر است.

دشمنان با تصور جنگ ۱۲ روزه پیش آمده بودند، همان جنگی که سیلی زده و چندتای دیگر خورد بودند، حال تصور می‌کردند در بازگشت دوباره، نقطه ضعف‌هایشان را پوشانده‌اند و خیلی سریع‌تر از حد تصور، قرار است صاحب‌ایرانی شوند که شهره جهانی دارد. اما چنان‌راکبی خوردند که فرس راه‌هم نمی‌کردند. به گونه‌ای که روزهاست در خلال حملات وحشیانه خود، روی بازی‌های رسانه‌ای نیز برنامه‌ریزی زیادی کردند، تا شاید از این طریق بتوانند اقتداری را که خود با چشم دیدند کوچک نشان دهند!

اما قشنگ‌ترین قسمت ماجرا، این بود که گفته شده، تمام موشک‌هایی که طی این مدت سرزمین‌های اشغالی و پایگاه‌های امریکا در منطقه را شخم زده، محصول ده سال قبل است، و هنوز ایران لزومی ندیده که برای این دشمن مدعی (که حالا دیگر پرواضح است فقط سروصدا دارد) به دستاوردهای جدید خود ناخنگ بزند. همین یک نقل قول کوتاه کافی است تا حساب، دست دشمنان بیاید. همان دشمنانی که قرار بود به قول خودشان، چند روزه شاهکار کنند، اما روزهاست که دخل پایگاه‌هایشان در منطقه از آنها مومشک‌ها، که پنهان‌های ایران آورده است، به همین دلیل، امروز سرحات و نه در لاف‌ها، از دیگران باری می‌خواهند. اکنون: «همرو» برای آنها صرفاً یک پنهان‌است، تنگه‌ای که بسته شدن آن توسط ایران، آنقدر که اوضاع کشورهای دیگر را بی‌ریخت کرده، فشاری به امریکا و اسرائیل نیاورده است، اما آنها دنبال پارکشی در جنگ هستند و می‌خواهند از این مسئله بیشترین استفاده را ببرند، درست مثل ماهیگیری از آب گل‌لود.

نه‌المان، نه‌فرانسه، نه‌انگلیس و نه کشورهای دیگر فریب وعده‌های نتانیاهو نتانخورند. حتی حرف‌های ترامپ هم که از التماس به تهدید، ترقی کرد، نتوانست آنها را در جبهه ایران، در این جنگ قرار دهد. ترامپ دیگر رسما دست و پا می‌زند، او نه راه پیش دارد، نه راه پس. ادعایی که کرده بود، یقه خودش را گرفته و چه بسا روزی هزار بار، به خودش لغت می‌فرستد که با طناب نتانیاهو به چاه افتد. در حالی که در این سوی میدان نبرد، ایران یک قدم هم پانس نکشیده است.

در کمال تأسف و هر چه سبب، صدای انفجار و آوار شدن خانه‌ها، بیمارستان‌ها، ازگان‌ها و غیره را می‌شنویم. اما همچنان از تمام درد و زخم و اندوهی که در سایه راپر امیدهایم، چراکه ستون این خانه، نه یک شخص، که غیر ایرانی و عشق مردم به این خاک مقدس است. ایرانی که تمام شدنی نیست و دشمن می‌خواهد امریکا و ترامپ باشد یا اسرائیل و نتانیاهو، یا حتی دشمنانی که در پوست بره چون دوست خود را از دیک می‌کنند، باید خواب پایان این عشق (ایران) را ببینند.

۱۸ روز گذشته، به سختی، یادارد و اندوه‌ناز مخد‌های به جامنده‌ای که شاید هرگز دیگر خواب نشود، اما آنچه را که دنیا دید، قبل از تمام این واقعیت‌ها، اقتدار ایران بود و عشقی که ملت به آن داشته، دارند و خواهند داشت.

دستور دادستان

برای مقابله با سو استفاده

ضدانقلاب از شرایط جنگی

دادستان کل کشور با ارسال نامه‌ای به دادستانهای نظامی سراسر کشور دستور داد در جهت مینابت از حقوق عامه، پیشگیری از وقوع جرم و همچنین مقابله با قاطع با سوءاستفاده معاندین و ضد انقلاب از شرایط جنگی حاکم بر کشور و حوادث منطقه اقدامات لازم را انجام دهند.

حجت‌الاسلام محمد موحدی، دادستان کل کشور با ارسال نامه‌ای در این دستور آمده است: دادستانهای نظامی سراسر کشور باید نسبت به اجرای دستور العمل فوریت‌های قضایی و نحوه عملکرد واحدهای تشکیک و پیگیری فوری شکایات و رسیدگی به گزارش ضابطان دادگستری اقدام کنند، به گونه‌ای که در طول شبانه روز واحدهای کشیک قضایی بدون تعطیلی به انجام وظایف اقدام کنند.

همچنین در این دستور بر عدم تعطیلی واحدهای قضایی در حوزه‌های قضایی هر شهرستان و دسترسی آسان مردم به آنها در ایام تعطیلات نوروز و بازرسی و سرکشی از تحتظرگاهها و بازداشتگاهها تأکید شده است.

دادستان کل کشور در این دستور بر ضرورت پیشگیری از وقوع و ارتکاب جرائم خرد و کلان و ایجاد آرامش و اطمینان برای مردم، به خصوص در مورد جرائم قاچاق کالا، سلاح و مهمات غیرمجاز واقلم برخطر (شیمیایی، بیولوژیکی، انفجاری مخرب)، سرقت عادی و مسلحانه از اماکن خصوصی، عمومی، وسائط نقلیه، زورگیری، کیف قاپی، جیببری و اقدامات مجرمانه در پوشش مأموران دولتی، نظامی و انتظامی در ایام تعطیلات تأکید کرده است.

در این دستور به عدم اعطای آزادی به زندانیان جرائم سرقت و زورگیری و مجرمان جرائم خشن، حرف‌های و سابقه‌دار تأکید شده است. همچنین دادستان کل کشور بر نظارت و کنترل جاده‌ها و واحدهای از تصادفات با توجه به افزایش سفرهای بین شهری در زمان جنگ و تعطیلات نوروز از سوی پلیس راهور و سایر ضابطان تأکید کرده است.

در این دستور دادستان کل کشور به منظور پیشگیری و جلوگیری از تغییر کاربری اراضی زراعی و باغی، تصرف غیر قانونی اراضی ملی، منابع طبیعی، سواحل دریاها و رودخانه‌ها از سوی افراد سو‌وجد در ایام تعطیلات نوروز بر تعیین شیفته‌ها تشکیک تأکید کرده است.